

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

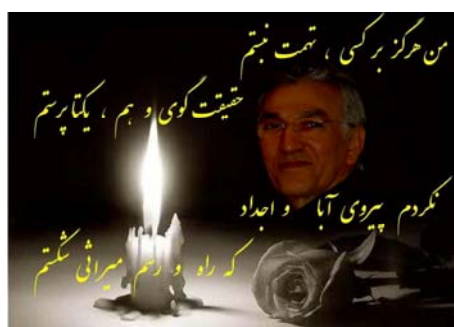
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۰۹ نومبر ۲۰۱۸



از حضور مشکین، عنبرین، شهیدین و شکرین دوستان نهایت سپاس و شکران

[تازیانه سخن]

سپاس، خدمت (آزاد) و نغزِ گفتارش
برای حضرت (حداد)، با درود و سلام...
ولی (شکیب) که خود، پیرِ دین و پُرکارست
به (فضل حق)، که (علم)، منصفانه می رزم
(شهیم) محترم، ای ظاهرِ سخاوتمند
حضور (حشمت آروین) ز کارته پروان
جناب (شمس) که یارِ قدیم و همصنفی
به زلف (زینب) و (سوما)، ز نغزِ شعرِ ترم
ز پیچ و تاب و شکن در شکن به خود بالند
ز خوانش غزلِ حظ چه میبری، (نازی) !
برای (حاجی معروف) و (احمد مشفق)
حضور (فکرت) و (نوری) وهم (نجیب برید)
بالاخره ز محبت نمودن (برکت)

ز (وای، وای) پیامش چمانه می سازم
ز اشتیهای سخن، تازیانه می سازم
ز طنز، طالبه را، موریانه می سازم
به قصرِ عشق، ازو جاودانه می سازم
به هر دلی ز توام لانه لانه می سازم
چمن چمن گلِ خاطر، روانه می سازم
به یادِ دوره مکتب، ترانه می سازم
اجازه باشد اگر، شانه شانه می سازم
نشیده های ز ایشان دو گانه می سازم
نشیده های که داری بهانه می سازم
ز واژه واژه احساس دانه می سازم
بنای شعر و ادب، مخلصانه می سازم
سرود شیر و شکر، شادمانه می سازم

از حضور مشکین، غبرین، شهیدین و شکرین دوستان نهایت سپاس و شکران

سپاس، خدمت (آزاد)، و، نغز کفتارش ز (وای، وای) پیاش چسمانه می سازم
 برای حضرت (حداد)، با درود و سلام ز اشتهای حسن، تازیانه می سازم
 ولی (شکیب) که خود، پیر دین و پرکارست ز طنس، طالبه را، موریانه می سازم
 به (فضل حق)، که (علم)، منصفانه می رزد به قصر عشق، ازو، جاودانه می سازم
 (شہیم) محترم، ای ظاهر سخا و تمند به هر دلی، ز توام، لانه لانه می سازم
 حضور (شمت آروین) ز کارته پروان چمن چمن گل خاطر، روانه می سازم
 جناب (شمس) که یار قدیم و همصنفی بیاد دورهء مکتب، ترانه می سازم
 به زلف (زینب) و (سوما)، ز نغز شعر تررم اجازه باشد اگر، شانه شانه می سازم
 زیچ و تاب و، شگن در شگن به خود بالند نشیده های ز ایشان دوکانه می سازم
 ز خوانش عنزلم خط چه میبری، (نازی) ! سروده های که داری بجهانه می سازم
 برای (حاجی معروف) و (احمد مشفق) ز واژه واژهء احساس دانه می سازم
 حضور (فکرت) و (نوری) و هم (نجیب بید) بنای شعر و ادب، مخلصانه می سازم
 بلاخره ز محبت های محترم (برکت) سرود شیر و شکر، شادمانه می سازم